

## نظریه رجحان نقدینگی بهره از کینز است یا گزل؟

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۱۰/۲۱

دکتر سید ابراهیم بیضایی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در این مقاله نظریه رجحان نقدینگی نرخ بهره، به عنوان نقطه مهم مورد مناقشه بین سرمشق اقتصادی نئوکلاسیکی و کینزی تلقی شده است. اما نویسنده تلاش کرده است که ثابت کند این نظریه ۲۰ سال قبل از آخرین کتاب کینز موسوم به نظریه عمومی توسط دانشمند آلمانی سیلویو گزل تدوین شده، اما این دانشمند به طرز ناعادلانه‌ای در ادبیات اقتصادی گمنام مانده است.

بدین منظور در مرحله اول مفهوم این نظریه مورد بحث و مقایسه با نظریه بهره نئوکلاسیکی قرار گرفته است. در مرحله بعد دیدگاه‌های کینز و گزل در مورد این نظریه از طریق استناد به جملات خود آنها تحلیل شده و نتایج این تحلیل برای نظام بانکی بدون بهره ایران مورد بحث قرار گرفته است.

نتایج مقاله را می‌توان در دو موضوع مورد توجه قرار داد.

- ۱- افتخار نظریه رجحان نقدینگی باید حداقل بین کینز و گزل تقسیم شود.
- ۲- برای حذف بهره از نظام اقتصادی کشور لازم است بررسی‌های عمیق بیشتری انجام شود.

واژگان کلیدی: نظریه رجحان نقدینگی، نرخ بهره، انگیزه پس‌انداز، حجم پول، بهره‌وری نهایی سرمایه، اشتغال کامل

۱. استادیار دانشگاه هوایی شهید ستاری.

### پیشگفتار:

جان مینارد کینز اقتصاد دانان انگلیسی (۱۹۴۶-۱۸۸۳) در آخرین کتاب خود موسوم به "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" نظریه‌ای در خصوص دلیل وجود بهره با عنوان رجحان نقدینگی ارائه کرد و از طریق آن تقریباً دیدگاه‌های تمامی اقتصاددانان قبل از خود و حتی مطالبی را که خود در کتابهای گذشته‌اش در خصوص پدیده بهره نگاشته بود، زیر سؤال برد. این کتاب شهرتی حیرت‌آور برای کینز به همراه آورد، به طوری که او را بنیان‌گذار مکتب جدیدی در علم اقتصاد نامیدند و سالها بعد از مرگ او، توصیه‌هایش را برای مهار بحران‌های اقتصادی به کار بستند. گرچه بعدها مکتبی به نام پولیون علیه انقلاب کینز به وجود آمد، اما این رویداد هم چیزی از شهرت و اعتبار نظریات کینز در آخرین کتابش کم نکرد.

تقریباً بیست سال قبل از انتشار آخرین کتاب مشهور کینز، دانشمندی آلمانی به نام سیلویو گزل (۱۹۳۰-۱۸۶۲) در کتابی به نام "مبانی اقتصاد طبیعی از طریق پول آزاد، زمین آزاد،" نظریه رجحان نقدینگی را با روشی بسیار محکم و مستدل مطرح ساخت و به تصدیق خود کینز ترجمه انگلیسی این کتاب در اختیار او هم قرار گرفت؛ اما نظریه رجحان نقدینگی هرگز به گزل نسبت داده نشد و گزل به عنوان اقتصاددان در ادبیات اقتصادی جهان گمنام ماند.

در این مقاله تلاش می‌شود استدلال مربوط به رجحان نقدینگی کینز با گزل مقایسه شود و خلاصه‌ای از نظرات گزل به جامعه اقتصادی ایران معرفی شود.

برای اجتناب از اعمال نظر شخصی در تفسیر و مقایسه دیدگاه‌های این دو دانشمند، حتی الامکان سعی شده است عیناً به جملات خود آنها به زبان اصلی استناد گردد و ترجمه جملات نیز ارائه شود.

بهره<sup>۱</sup> پدیده‌ای است اقتصادی که از دوران قبل از میلاد مسیح در زندگی اقتصادی بشر وجود داشته و عقاید فلسفی و مذهبی متعددی در ذم آن مطرح شده که از جمله آنها می‌توان به نظر ارسطو، نظریه ادیان مسیحیت، یهودیت و بویژه اسلام اشاره کرد. برداشت بوم - باورک از قضاوت فلسفی ارسطو در مورد بهره این گونه است:

«طبیعت پول به آن امکان نمی‌دهد که محصولی به بار آورد و از این نظر نمی‌توان سودی را که بستانکار از راه استقراض پول قرض می‌کند از طریق قدرت اقتصادی پول توجیه کرد، بلکه تنها علت دریافت نرخ بهره، یک بهره‌کشی نامشروع و بی‌انصافانه محسوب می‌گردد.»<sup>۲</sup>  
اما کسانی که به اقتصاددانان کلاسیک شهرت یافتند، تمام این گونه نظرات را نادیده انگاشتند و بهره را پدیده‌ای چنان واقعی در نظر گرفتند که بدون وجود آن اصلاً زندگی اقتصادی بشر نمی‌تواند استمرار یابد و در این خصوص سرمشقی ارائه کردند که بیشتر اقتصاددانان پیرو آنها یعنی نئوکلاسیک‌ها و حتی اقتصاددانان جدید موسوم به پولیون و نیز نئوکلاسیک‌های جدید، بدون بحث و گفتگوی زیادی آن را پذیرفتند و مبنای نظرات اقتصادی خود قرار دادند. کینز این سرمشق کلاسیک‌ها در مورد بهره را این گونه خلاصه کرده است:  
سرمایه‌گذاری نشانگر تقاضا برای منابع قابل سرمایه‌گذاری و پس انداز نشانگر عرضه آن است، در حالی که نرخ بهره قیمت منابع قابل سرمایه‌گذاری است که بین عرضه و تقاضا تعادل ایجاد می‌کند.

“Investment represents the demand for investible resources and saving represents the supply, whilst the rate of interest is the “price” of investible resources at which the two are equated” (Keynes, John, Maynard, The General Theory of Employment, Interest and Money, p.175.)

اگر ماهیت بهره این گونه توجیه شود، بهره پدیده‌ای است واقعی و غیر قابل اجتناب، که چه اثر منفی داشته باشد و چه مثبت، باید وجود آن به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شود و سعی بر این باشد تا آثار منفی آن به نحوی جبران گردد.

اما کینز خود در آخرین کتاب معروفش به نام «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول»، نظریه‌ای را که حتی خود او در کتب قبلی‌اش به نحوی از آن پیروی می‌کرد، رد می‌کند و بهره را پدیده‌ای کاملاً پولی می‌داند:

تعریف خالص نرخ بهره به وضوح به ما می‌گوید که نرخ بهره پاداشی است برای جدا شدن از نقدینگی برای دوره زمانی مشخص.

“The mere definition of rate of interest tells us in so many words that the rate of interest is the reward for parting with liquidity for a specified period. (Keynes; ..., P.167.)

۱. بهره را در تعریفی کلی می‌توان اختلاف قیمت مبادله یک کالا با همان کالا در دو زمان مختلف، یا به صورت دقیق‌تر اختلاف قیمت مبادله مبلغی پول با همان مبلغ پول در دو زمان مختلف در نظر گرفت.

2. Bawerk, Bohm, Geschichte und Kritik der kapitalzinstheorien, Zweite Auf. 1900, P.17.

بر اساس این تعریف، بهره ماهیتی وابسته به ماهیت پول دارد و وجود آن بر اساس ترجیح واحدهای اقتصادی برای نگاهداری پس‌انداز خود به صورت نقدینگی قابل توجیه است. این نظریه توسط خود کینز و ادبیات اقتصادی بعد از او به نظریه رجحان نقدینگی و به نام کینز شهرت یافته است.

در این نوشتار سعی خواهیم کرد مشخص کنیم چه اتفاقی رخ داده است که کینز در سال ۱۹۳۰ در کتاب مشهور خود موسوم به *Treatise on Money* نظریه بهره‌ای در چارچوب نظریه رایج نئوکلاسیک‌ها ارائه می‌دهد، اما در سال ۱۹۳۶ در کتاب آخر خود موسوم به "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" نظریه خود را کاملاً تغییر می‌دهد و بهره را دارای ماهیت پولی قلمداد می‌کند؟ آیا دلیل این تغییر نگرش او به پدیده بهره را که موجب تغییر بسیاری از نگرش‌های دیگر او در علم اقتصاد شده است، نمی‌توان آشنایی کینز با نظرات دانشمند آلمانی موسوم به سیلیویو گزل دانست؟ در این صورت نظریه رجحان نقدینگی باید به گزل نسبت داده شود و یا دست کم با عنوان گزل - کینز در ادبیات اقتصادی ثبت گردد. بدین منظور ابتدا به شرح دقیق مفهوم نظریه رجحان نقدینگی از دیدگاه کینز (۱۹۳۶) می‌پردازیم و سپس آن را با نظریه گزل (۱۹۲۰) در این خصوص مقایسه می‌کنیم.

### نظریه رجحان نقدینگی کینز

هر فردی برای استفاده از درآمد قابل تصرف خود در هر دوره، باید دو نوع تصمیم‌گیری کند که این تصمیم‌ها با حالت روانی او در خصوص رجحان زمانی ارتباط دارد. یکی از این تصمیمات مربوط به تمایل به مصرف است. انگیزه‌های مختلفی تعیین می‌کند که چه میزان از درآمد هر دوره شخص، در آن دوره مصرف شود و چه میزان آن برای مصرف در زمانی نامشخص در آینده ذخیره گردد (تشکیل پس‌انداز). تصمیم دیگری که فرد باید اتخاذ کند این است که این موجودی ذخیره قدرت مصرف برای آینده را که مربوط به پس‌انداز دوره جاری یا دوره‌های گذشته، است به چه شکلی نگاهداری کند؟ به صورتی که ذخیره او فوراً قابل تبدیل به کالای مورد نظر باشد و نیز بتواند در شرایط خاص برای مدتی مشخص از این قدرت تبدیل ذخیره به کالای دلخواه فاصله بگیرد. شرایطی که او را راضی می‌کند در مدت معینی از قدرت تبدیل پس‌انداز خود به کالای دلخواه صرف‌نظر کند و معمولاً آنرا می‌توان بر حسب واحد پول تعریف کرد، نشانگر میزان تمایل او به نگاهداری نقدینگی است و شدت انگیزه روانی او در مورد رجحان نقدینگی را نشان می‌دهد (کینز، ...، ص ۱۶۶).

کینز برای توجیه نظریه رجحان نقدینگی این گونه استدلال می‌کند:

انواع دارایی‌ها که به عنوان پس‌انداز نگاهداری می‌شوند، در درجات مختلف سه خصوصیت زیر دارند:

الف: برخی دارایی‌ها نوعی درآمد ایجاد می‌کنند که به صورت خدمات مصرفی یا خدمات تولیدی ارزشیابی می‌شوند و با افزایش تولید آنها از ارزش درآمدي آنها کاسته می‌شود.

ب: نگاهداری اغلب دارایی‌ها، به استثنای پول، مستلزم تحمل هزینه استهلاک و هزینه نگهداری از طرف مالک است که به نسبت مدت زمان نگاهداری افزایش می‌یابد (کینز...، صص ۲۵۵-۲۵۶).  
ج: بیشتر دارایی‌ها قابلیت بالقوه مبادله شدن با یکدیگر و یا با کالاها و خدمات مصرفی (قابلیت نقدینگی) را با درجات مختلف سهولت، سرعت و ایمنی دارند که در پول به طور کامل وجود دارد.

برآیند سه خصوصیت فوق به گونه‌ای است که معمولاً پس‌اندازکنندگان ترجیح می‌دهند پس‌انداز خود را به صورت پول یا دارایی‌های مشابه آن نگاهداری کنند، مگر این که برای جبران رجحان نقدینگی فرد و انصراف او نگاهداری پس‌انداز خود به صورت پول نقد یا دارایی‌های مشابه، درآمدي به او پرداخت شود که همان بهره است.  
کینز پس از استدلال‌هایی که توجیه‌کننده رجحان نگاهداری پس‌اندازها به صورت پول از نظر مردم است، دلایل زیر را ذکر می‌کند:

الف - پول دارای کشش تولیدی صفر است، یعنی افراد و بنگاه‌ها به هر میزان هم نیازمند پول باشند، قادر نیستند خود اقدام به تولید پول نمایند، در حالی که تولید سایر کالاها از طریق سرمایه‌گذاری و صرف نیروی کار برایشان امکان پذیر است.

ب - پول دارای کشش جانشینی نزدیک به صفر است، بدین معنی که افراد و بنگاه‌ها به زحمت و با صرف هزینه‌ای قابل توجه می‌توانند ابزار دیگری را برای پرداخت جانشین آن نمایند.

ج - نگاهداری و احتکار پول در حجم دلخواه بسیار آسان و با هزینه بسیار اندک (یا نزدیک به صفر) امکان‌پذیر است، در حالی که انباشتن بقیه کالاها به عنوان پس‌انداز، هزینه‌ای قابل توجه دارد که هر چه زمان بگذرد این هزینه افزایش می‌یابد (کینز...، صص ۲۳۰-۲۳۴).  
کینز درباره ویژگی اخیر پول این جمله را ذکر می‌کند:

"بنابراین آن اصلاح طلبانی که پیشنهاد ایجاد پولی را ارائه کرده‌اند که به طور مصنوعی هزینه نگاهداری داشته باشد در راه صحیح بوده‌اند و ارزش عملی شدن طرح‌های آنها مستحق توجه است. در یکی از این طرح‌ها پیش‌بینی شده است که برای حفظ کیفیت پول رایج دولتی طی زمان لازم باشد مبلغ مشخصی تمبر بر روی پول چسبانده شود."

"Thus those reformers, who look for a remedy by creating artificial carrying - costs for money through the device of requiring legal - tender currency to be stamped at a prescribed cost in order to retain its quality as money, or in analogous ways have been on the right track,! And the practical value of their proposals deserves consideration"(Keynes....,p.234).

بنابراین کاملاً مشخص است که کینز دلیل وجود بهره را در ماهیت پول رایج، و امتیازات آن بر دارایی‌های واقعی به خاطر استفاده شدن به عنوان وسیله نگاهداری ثروت می‌داند و بهمین دلیل نظریه بهره کینز با عنوان رجحان نقدینگی به نام او در ادبیات اقتصادی ثبت شده است.

۳- نظریه رجحان نقدینگی گزل:

تقریباً بیست سال قبل از کتاب حاوی نظریه رجحان نقدینگی کینز که در سال ۱۹۳۶ در انگلستان و به زبان انگلیسی انتشار یافت، در سال ۱۹۱۶ اولین چاپ کتاب سیلیو گزل با نام "نظام اقتصاد طبیعی از طریق پول آزاد و زمین آزاد" به زبان آلمانی منتشر شد. گزل درباره این که چرا وقتی کاغذ پول که ارزش ذاتی ندارد تبدیل به پول کاغذی می‌شود، مردم نگاه‌داری آنرا به هر کالایی از جمله طلا ترجیح می‌دهند، دلایل زیر را ذکر می‌کند:

- ۱- تقسیم کار مزایای زیادی دارد.
- ۲- در نظام مبتنی بر تقسیم کار، کالاهایی تولید می‌شوند که فقط به عنوان وسیله مبادله مورد استفاده تولیدکننده آن قرار می‌گیرد.
- ۳- اگر تقسیم کار در جامعه از حد مشخصی بیشتر توسعه یابد، دیگر مبادله کالاها بدون استفاده از وسیله مبادله امکان‌پذیر نیست.
- ۴- وسیله مبادله بنا بر ماهیت آن باید لزوماً پول مورد قبول و تأیید جامعه و دولت باشد.
- ۵- بنا بر فرض، دولت پول دیگری غیر از پول رایج انتشار نمی‌دهد.
- ۶- مالک کالاها در مقابل این تصمیم قرار دارد که یا پول کاغذی دولتی را در مقابل مبادله با محصول تولیدی خود بپذیرد و یا از تقسیم کار صرف نظر کند. و بالاخره
- ۷- مالکان پول دولتی وقتی می‌بینند که مالکان کالا ناچارند کالای خود را به پول تبدیل کنند، پول خود را بدون دریافت باج به کسی نمی‌دهند."

"Das Geldpapier verwandelte sich also in Papiergeld.: Weil die Arbeitsteilung grosse vorteile bietet.2- Weil die Arbeitsteilung Waren erzeugt, die nur als Tauschgegenstaende dem verfertiger nützlich sind. 3- Weil der Austausch der waren, bei einer gewissen Entwicklung der Arbeitsteilung, ohne Tauschmittel unmöglich wird. 4- Weil das Tauschmittel, seiner natur nach, nur als gesellschaftliches, staatliches Geld denkbar ist. 5- Weil nach unserer Annahme der Staat kein anderes Geld als nur Geldpapier verfertigte. 6- Weil alle Besitzer der Waren vor der Entscheidung Standen, entweder das Geldpapier des staates im Tausch gegen ihre Erzeugnisse anzunehmen, oder auf die Arbeitsteilung zu verzichten, und schliesslich 7- Weil die Inhaber des Geldpapiers dieses nicht umsonst hergeben, sobald sie sahen, dass die in Verlegenheit.gebrachten Warenbesitzer ihre waren gegen Geldpapier anboten"(Gesell,...,p.135-136).

هر خواننده منصفی با توجه به خصوصیات که گزل برای پول در مقابل سایر کالاهای قابل استفاده به عنوان پس‌انداز ذکر می‌کند، می‌تواند استدلال محکم و قاطعی برای رجحان واحدهای اقتصادی جهت نگاه‌داری دارایی‌ها به صورت پول تشخیص دهد که همان هسته اولیه نظریه رجحان نقدینگی بهره کینز است.

حتی خود کینز تا حدودی اذعان می‌کند که قبل از تدوین کتاب نظریه عمومی از نظرات گزل اطلاع یافته و در چندین صفحه تقدیر قابل توجهی از گزل و تفکرات او به عمل آورده و از او به عنوان پیامبری که به ناحق گمنام مانده نام برده است. جمله زیر را کینز در آخرین کتاب خود در مورد گزل نگاشته است:

"در سال‌های بعد از جنگ، پیروانش با کپی‌هایی از آثار او مرا بمباران کردند. اما هنوز به خاطر نواقصی که در استدلال وجود داشت، من کاملاً از درک شایستگی آثار او محروم بودم. همان گونه که غالباً در مورد ادراک‌هایی که ناقص تحلیل شده‌اند رخ می‌دهد، اهمیت این آثار زمانی بر من آشکار شد که خودم از روش ویژه خود به همان نتیجه رسیدم" (کینز، ...، ص ۲۲۲).

این که کینز بدون گرفتن ایده از مطالب و نظرات گزل و فقط از راه ادراک شخصی موفق به تدوین نظریه رجحان نقدینگی بهره شده باشد، هیچ تغییری در اصل موضوع نمی‌دهد. در واقع گزل هم به نوعی نظریه رجحان نقدینگی بهره را تدوین کرده و باید دست کم نام او در کنار نام کینز و حتی قبل از نام وی در ارتباط با این نظریه ذکر شود و نظریه رجحان نقدینگی، نظریه گزل - کینز نامیده شود.

در مورد اثرات نرخ بهره بر زندگی اقتصادی انسان‌ها نیز تشابه بسیار زیادی بین نظرات کینز و گزل وجود دارد. کینز در مورد تأثیر منفی بهره بر میزان سرمایه‌گذاری و اشتغال این گونه می‌نویسد:

"این گونه به نظر می‌رسد که نرخ بهره پول نقش مهمی در محدود کردن سطح اشتغال دارد، زیرا میزانی را تعیین می‌کند که بازدهی نهایی سرمایه باید حداقل برابر آن شود تا کالای سرمایه‌ای جدید تولید گردد" (کینز، ...، ص ۳۵۳).

در این مورد گزل تقریباً بیست سال قبل از کینز این گونه می‌نویسد:

"به گونه‌ای قانونمند می‌توان نتیجه گرفت که خانه‌ها، کشتی‌ها و کارخانه‌ها، و به طور خلاصه مجموع دارایی‌های سرمایه‌ای واقعی، معادل همان بهره‌ای را حاصل نمایند که پول در جریان مبادله با کالا به صاحب کالا به عنوان بهره پایه تحمیل می‌کند." (گزل، ...، ص ۲۳۵).

گزل با توجه به این مطلب، نتیجه می‌گیرد که تولید کالاهای سرمایه‌ای مانند خانه، کشتی، کارخانه و نظایر آنها تا حدی گسترش می‌یابد که حداقل معادل بهره پول از آنها به دست آید.

کینز در خصوص اثر بهره ناشی از رجحان نقدینگی پول بر فقر و کمبود سرمایه در جهان این گونه می‌نویسد:

"این را که جهان پس از هزاران سال پس‌انداز اشخاص، هنوز با فقر سرمایه روبه رو است، نه می‌توان در تمایل بشر به کاهلی و کم‌کاری جستجو کرد و نه در جنگ و عوامل مخرب طبیعی که موجب از بین رفتن سرمایه‌های زیادی گردیده است. بلکه علت اساسی آن پاداش نقدینگی زیادی است که در گذشته از مالکیت زمین حاصل می‌گردید و امروز از پول" (کینز، ...، ص ۲۴۲).

در این مورد تقریباً بیست سال قبل از نگارش این جمله توسط کینز، گزل این جمله را نگاشته است:

"کمبود و فقر خانه‌های مسکونی، کشتی‌ها کارخانه‌ها و نظایر آنها که به خاطر درآمد بهره‌ای (ناشی از بهره پول) این دارایی‌های سرمایه‌ای شاهد آن هستیم، ریشه در عاملی دارد که اثر آن هزاران سال بلاانقطاع فعال بوده است" (گزل، ...، ص ۳۴۰).

#### ۴- مقایسه نظریه کینزل و گزل

گزل و کینز هر دو معتقد بوده‌اند که پدیده بهره‌ناشی از رجحان نقدینگی پول، مسئول فقر جهان از نظر موجودی سرمایه و پدید آمدن طبقات آسیب پذیر بوده است. حتی نظر کینز درباره به وجود آمدن وضعیت خاص اقتصادی در جوامع نیز که در ادبیات اقتصادی به "دام نقدینگی"<sup>۱</sup> شهرت یافته و در ارتباط نزدیک با نظریه رجحان نقدینگی است و به عقیده کینز در آن شرایط نمی‌توان با افزایش حجم پول نرخ بهره را کاهش داد، به طور کامل توسط گزل و با استدلالی مشابه تشریح شده است. در این مورد کینز می‌نویسد:

"در شرایط عادی می‌توان تصور کرد که افزایش حجم پول، با فرض ثابت ماندن بقیه عوامل موثر، باعث کاهش نرخ بهره می‌شود، اما این حالت در شرایطی که رجحان نقدینگی مردم بیشتر از حجم پول افزایش یابد، اتفاق نخواهد افتاد" (کینز، ...، ص ۱۷۳).

موضوع گرفتار شدن اقتصاد در دام نقدینگی نیز با استدلالی مشابه کینز اما با عبارت و بیانی دیگر توسط گزل تشریح شده است. او استدلال می‌کند که وقتی دولت برای نجات اقتصاد از رکود و بیکاری بخواهد با افزایش حجم پول، بهره را کاهش دهد و به صفر برساند، با احتکار پول توسط صاحبان پول روبه رو می‌شود و آنها پیوسته بر ذخایر پولی خود می‌افزایند و در نهایت زمینه برای بروز بحران تورمی فراهم می‌شود.

"پس‌اندازکنندگان بیش از آنچه خود نیاز دارند کالا فراهم می‌کنند و پول حاصل از فروش این مازاد کالا را بدون بهره روانه بازار نمی‌کنند (احتکار می‌نمایند). دولت برای مقابله با بحرانی که پس‌اندازکنندگان مستقیماً با این رفتار خود ایجاد می‌کنند باید پول را با نرخ بهره کمتری در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار دهد و این پول را دولت ناچار است مجدداً تولید کرده و انتشار دهد" (گزل، ...، ص ۲۰۱).

"و در این حالت مرتباً جریان گسترده‌ای از پول کاغذی از طریق دستگاه چاپ اسکناس به بازارها سرازیر می‌شود و از بازار بیرون کشیده می‌شود (احتکار می‌شود)" (گزل، ...، ص ۲۰۲).

خواننده منصف و با دقت می‌تواند تشخیص دهد که گزل با عباراتی خاص زمان خود همان وضعیت دام نقدینگی را تشریح می‌کند و معتقد است که هرگاه دولت بخواهد با افزایش حجم پول از حد معینی که گزل آنرا Urzins (نرخ بهره پایه) نامیده است، نرخ بهره را پایین‌تر بیاورد، این پول‌های اضافی احتکار می‌شود و نرخ بهره نمی‌تواند از این حد کمتر شود.

این مطلب دقیقاً همان مطلب کینز را در خصوص دام نقدینگی با جملات طولانی‌تر و ساده‌تری توصیف می‌کند. هر دوی این اندیشمندان معتقد بوده‌اند که ماهیت پول به عنوان ابزار پس‌انداز مزایایی دارد که واحدهای اقتصادی که قدرت تشکیل پس‌انداز را دارند ترجیح می‌دهند پس‌اندازهای خود را به صورت پول نگاه دارند، مگر این که درآمدی به عنوان بهره و در حد مشخصی به آنها، متناسب با مدت دور شدن از پول، پرداخت شود. اگر دولت سعی کند با افزایش حجم پول، بهره را از این حد مشخص پایین‌تر آورد و به صفر نزدیک کند، پول افزایش یافته نزد پس‌اندازکنندگان احتکار و از بازار بیرون کشیده می‌شود و سیاست دولت خنثی می‌گردد. طرفداران کینز این شرایط اقتصادی را که نظریه آن توسط کینز ارائه شده

## 1. Liquidity - trap



بود، وضعیت دام نقدینگی نامیده‌اند، بدون این که عمداً و یا سهواً اشاره کنند که بیست سال قبل از کینز این وضعیت از طرف گزل به صورت بسیار دقیق‌تر این وضعیت از طرف گزل مطرح شده است.

گزل در مورد میزان مشخص بهره (بهره پایه) که فقط از ماهیت پول سرچشمه می‌گیرد و تا زمانی که پول متداول رواج دارد در هر صورت خود را بر مبادلات و اقتصاد تحمیل می‌کند (حتی اگر حجم پول در مقیاسی بسیار زیاد افزایش یابد) می‌نویسد:

"در شرایطی که همه کارگران با ابزار کاری کاملاً برابر و متعلق به خود تجهیز شوند، همه بدهی بدهکاران پرداخت شود، همه خریدها به صورت نقدی انجام گیرد، همه مردم در خانه‌های مسکونی متعلق به خود زندگی کنند، بازار معاملات اوراق بهادار تعطیل شود و همه معاملات اعتباری ممنوع گردد و دریافت بهره به لحاظ قانونی و کلیسایی غیر مجاز اعلام شود، باز هم بهره پایه در جامعه وجود خواهد داشت" (گزل، ...، ص ۳۵۹).

با توجه به این جمله معروف گزل که با حروف برجسته در کتاب او مورد تاکید قرار گرفته است، به هیچ وجه نمی‌توان در شرایط رواج پول متداول، نرخ بهره بازار را از نرخ بهره پایه پایین‌تر آورد، گرچه نرخ بهره بازار می‌تواند در هر شرایطی به خاطر دو پارامتر پیش‌بینی تورم و پیش‌بینی خطر، که به بهره پایه اضافه می‌شوند، با بهره پایه متفاوت باشد. حتی گزل شرایطی را محتمل دانسته بود که به خاطر رکود شدید و پیش‌بینی مردم در خصوص کاهش شدید سطح قیمت‌ها نرخ بهره بازار از نرخ بهره پایه پایین‌تر آید، اما این وضعیت به خاطر افزایش خطر معاملات اعتباری، سیاست‌های دولت برای افزایش حجم پول و قوت گرفتن احتمال افزایش سطح قیمت‌ها موقتی است و سریعاً نرخ بهره بازار به بالاتر از نرخ بهره پایه صعود می‌کند. " (گزل، ...، صص ۲۰۱-۲۰۲).

با توجه به اندیشه گزل در خصوص پول و رابطه آن با نرخ بهره، به وضوح می‌توان دریافت که او نظریه رجحان نقدینگی را قبل از کینز به طور مستدل ارائه کرده است و قاعدتاً می‌بایست این نظریه به نام او به ثبت می‌رسید و یا لاقلاً به اسم مشترک گزل - کینز در ادبیات اقتصادی نامیده می‌شد. البته خود کینز ادعا کرده است که گمنام ماندن گزل به این خاطر بوده که او نظریه نرخ بهره را نیمه‌کاره ارائه کرده است:

"او نظریه بهره را نیمه‌کاره بنا کرده است. بدون شك نقص نظریه او توجیهی برای این موضوع است که آثارش در ادبیات علمی مورد غفلت قرار گرفته است."

اما اگر به خوبی به استدلال‌های گزل در خصوص دلیل وجود پدیده بهره با توجه به دوره زمانی ارائه استدلال‌ها (سال‌های پایانی جنگ اول جهانی و رواج مسکوک طلا به عنوان پول در برخی کشورهای جهان از جمله کشور آلمان و پول کاغذی در برخی کشورهای دیگر) توجه شود، نظریه کامل رجحان نقدینگی بهره کاملاً مشهود است. در این خصوص در فرهنگ اقتصادی پالگریف نوشته شده است:

"گرچه نقص نظری و مشکلات اجرایی علیه نظریه گزل مطرح می‌شود، اما احتمالاً هدف او بیشترین دلیل برای پنهان ماندن نظریه او بوده است. اما این نظریه به گونه‌ای بارور در

زیربنای نظریه عمومی کینز و رکود و رونق فیشر زندگی می‌کند. " (کینز، ...، ص ۳۵۳ و فیشر و ایروینگ ۱۸۶۷-۱۹۴۷).

واقعاً تفاوت نظریه گزل و کینز در چه بود که برای کینز این همه شهرت به همراه آورد، اما گزل به ناحق گمنام ماند؟ همان گونه که از جمله فوق در فرهنگ اقتصادی پالگریف مستفاد می‌شود، هدف گزل و کینز در ارائه نظریه رجحان نقدینگی پول با هم متفاوت بود. هدف کینز این بود که با حفظ همه اجزای نظام سرمایه‌داری زمان خود، لزوم دخالت دولت در فعالیت‌های بازار برای مهار بحران‌های اقتصادی را که هر از چندی دامنگیر کشورهای صنعتی غربی می‌شد، توجیه کند و از این طریق از سقوط کشورهای سرمایه‌داری به دام کمونیسم، که در زمان تدوین کتاب نظریه عمومی کینز در حال نشو و نما بود جلوگیری نماید. به همین دلیل تقریباً ۲۵ سال بعد از درگذشت کینز، در سال ۱۹۷۱ زمانی که اقتصاد آمریکا در بحران رکود تورمی قرار داشت، نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا درست قبل از اعلام سیاست‌های کنترل دستمزدها و قیمت‌ها در آمریکا به وزیر خزانهداری خود گفته بود:

حالا من يك كينزي هستم<sup>۱</sup>.  
اما هدف گزل از ارائه این نظریه نجات نظام بازار رقابتی آزاد، هم از سرمایه‌داری و هم از کمونیسم بود:

"بر اساس توجیهی که هم اقتصاددانان معتقد به نظام سرمایه‌داری و هم طرفداران مارکسیسم ارائه کرده‌اند پدیده بهره جزء جدانشدنی حقوق مالکیت بر ابزار تولید است، و کسی که نظام مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید (کمونیسم) را رد می‌کند، ناچار است اقتصاد مبتنی بر وجود بهره (سرمایه‌داری) را بپذیرد."<sup>۲</sup>

بدین ترتیب هدف گزل نجات مردم و نظام‌های رقابتی آزاد جهان هم از کمونیسم و هم از سرمایه‌داری (هم از بردگی صاحبان سرنیزه و هم از بردگی صاحبان پول و زمین) بود. کینز توصیه کرده است که این امکان وجود دارد که بدون تغییر نظام پولی و زمینداری، و تنها از طریق مداخلات دولت در برای کاهش نرخ بهره، وضعیت اشتغال کامل پایدار را در اقتصاد برقرار کرد و به عدالت اقتصادی دست یافت:

"بنابراین بیشترین مزیت برای ما در این است که نرخ بهره را تا حدی کاهش دهیم که در تناسب با نرخ بهره‌وری نهایی سرمایه مرتبط با اشتغال کامل قرار گیرد. " (کینز، ...، ص ۳۷۵).

به همین دلیل نظام سرمایه‌داری از کینز و کتاب آخر او چندان احساس خطر نکرد و اجازه داد افکار کینز سالها بر ادبیات اقتصادی جهان حاکم شود و هنوز هم پیروانی داشته باشد، اما

1. Now, I am a Keynesian The Commanding Heights, Yergin, Daniel and Stanislaw, Joseph, Publication. By Simon and Schuster, New York, 2002. P. 204-205.

2. "Nach der Darstellung, die uns sowohl die buergerlichen, wie auch marx- freundlichen Zinsforscher geben, soll der Zins eine untrennbare Begleiterscheinung des Privateigentums an den Produktionsmittel sein. Wer die Guetergemeinschaft, den Kommunismus ablehnt und die freie Wirtschaft will, der muss auch Zinswirtschaft (Kapitalismus) mit in Kauf nehmen" So sagen alle, die sich bisher den Zins naher angeschaut haben. Gesell, ..., P. 324

گزل به طور قاطع نظام پولی رایج را مسئول فقر و تنگدستی طبقات کثیری از مردم می‌داند و به عنوان تنها راه نجات از این وضعیت، اصلاح نظام پولی و ایجاد پول آزاد (پول تمبردار) را توصیه می‌کند:

"با قاطعیت و بدون شك و تردید می‌توان ادعا کرد که وجود طبقه کارگر بدون ابزار کار و فقیر (پرولتاریا) معلول مستقیم نظام پولی رایج در جوامع ماست. از این رو فقر عمومی را نیز باید نتیجه نظام پولی رایج دانست.<sup>۱</sup>

"زیباترین و در واقع انقلابی‌ترین عملکرد رواج پول آزاد (پول بدون بهره) این خواهد بود که از طریق از بین بردن بیکاری به خاطر تولید فراوان کالاهای سرمایه‌ای که از درآمد بهره مستقل شده‌اند، به زودی پدیده بهره در نتیجه وفور سرمایه به فراموشی سپرده می‌شود و در اثر آن مخلوط کنونی انسانهای نامتجانس مرکب از اشراف‌زادگان، افزونه‌خواران و فقیران محو می‌شود و نوعی جوامع انسانی به وجود می‌آیند متشکل از نسل انسانهای آزاد، باغورور و مستقل، که آنها را می‌توان در هر جای جهان بدون شرمندگی به عنوان هم وطن معرفی نمود." (گزل، ...، ص ۲۵۵)

این نظریه و پیام گزل بود که جهان سرمایه‌داری را با وحشت روبه رو کرد، آن قدر که عقاید او را تقریباً از ادبیات اقتصادی رایج در محافل علمی حذف کردند و حتی نظریه او در خصوص رجحان نقدینگی به تمامی به فراموشی سپرده شد. زیرا پیام گزل که در واقع همان پیام ارسطو و پیامبران الهی بود، در صورت رواج در محافل علمی و تلاش برای محقق ساختن توصیه‌های او، منافع صاحبان پول و زمین را که عادت به زندگی تجملی راحت و بدون کار داشتند به خطر می‌انداخت. این گروه اندک از مردم که قدرت‌های سیاسی و اقتصادی را در اختیار داشتند، باعث شدند گزل و افکار او به تاریخ سپرده شود، و تمام افتخار نظریه رجحان نقدینگی نصیب کینز گردد.

**1. Ohne Ausfluchte, ohne Gewalt, ohne Wenn und Aber ist das Proletariat von unserem herkommlichen Gelde unmittelbar abzuleiten. Allgemeine Bettelei muss unser Geld gesetzmassig begleiten.**

## ۵- نتیجه‌گیری در مورد برخورد با پدیده بهره:

از مطالبی که ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که سه روش ممکن برای برخورد با پدیده بهره پول با در نظر گرفتن تعریف خاص آن، یعنی "قیمت مبادله مبلغی پول با همان مبلغ پول در دو زمان مختلف" وجود دارد:

الف: بهره را مانند اقتصاددانان کلاسیک، نئوکلاسیک و پیروان جدید آنها موسوم به پولیون و یا نئوکلاسیک‌های جدید، پدیده‌ای واقعی و عامل تشکیل پس‌انداز، بهره‌وری سرمایه، ایجاد کار و بروز تفکر کارآفرینی و... بشناسیم. در این صورت صحبت از حذف بهره بیهوده است، چون عامل واقعی اقتصادی قابل حذف نیست. با قبول این نظریه و مکتب اقتصادی مرتبط با آن لازم است نوسانات نرخ بهره مانند هر قیمت دیگر به مکانیسم بازار و عرضه و تقاضا واگذار شود و حتی‌الامکان دولت در آن دخالتی ننماید. در این صورت ممکن است گاهی به اقتضای بازار بهره به نزدیک صفر برسد یا دو رقمی شود.

اما با پذیرش این نظریه، زیربنای فکری این نظریه نیز که همان سرمایه‌داری است باید پذیرفته شده و به قواعد آن عمل شود، و دخالت دولت در اقتصاد به حداقل ممکن و میزان لازم برای حفظ امنیت و حقوق مالکیت تقلیل داده شود. اما در آن صورت باید دیدگاه کلی اقتصاددانانی که از این مکتب حمایت می‌کنند مورد توجه قرار گیرد. چند نقل قول از حامیان جدی امروز این مکتب، طرز تلقی آنها را از روابط اقتصادی مطلوب در جامعه روشن می‌سازد:

" آنچه که انگلیس نیاز دارد، تعداد بیشتری میلیونر و تعداد بیشتری ورشکسته است." (مشاور خانم مارگارت تاچر در دوران مبارزات انتخاباتی و وزیر صنایع دولت مارگارت تاچر.) (هایتنز،...، ص ۸۵).

"کارگر با تکیه بر بازوی خود نمی‌تواند تولید ثروت کند. ما به کارآفرینانی که ثروت و شغل ایجاد کنند نیازمند هستیم." (هایتنز،...، ص ۸۴).

"بازار انحصاری بدون کنترل دولت، از بازاری که در مالکیت و تحت کنترل دولت، مصائب کمتری به بار می‌آورد." (هایتنز،...، ص ۱۲۹).

ب: بهره را مانند کینز و طرفداران او پدیده‌ای پولی تلقی کنیم که نقش منفی در اقتصاد دارد اما دولت لازم است و می‌تواند با کنترل حجم پول و اعتبار و سازماندهی مناسب نظام پولی، نرخ بهره را تا حد متناسب با اشتغال کامل کاهش دهد. در این شرایط همان گونه که مخالفان و طرفداران کینز موسوم به کینزیون عقیده دارند، دولت قادر نیست از تورم جلوگیری کند و وقوع تورم موجب افزایش نرخ بهره اسمی می‌شود و دولت ناچار است برای جلوگیری از بحران اقتصادی به تدریج بر دخالت‌های خود بیفزاید، و این دخالت‌ها زمینه را برای بروز بحران رکود - تورمی فراهم می‌کند.

ج - بهره را مانند گزل پدیده‌ای پولی و بسیار نامطلوب تلقی کنیم که علت اصلی تمام مصائب و مشکلات اقتصادی است و تا از زندگی اقتصادی جامعه حذف نشود، مشکلات ناشی از وجود بهره را نمی‌توان بر طرف کرد. در این صورت برای حصول به عدالت اجتماعی

لازم است از هر طریق که ممکن است بهره حذف شود. بدین منظور گزل پول تمبردار را پیشنهاد کرده است که در نقل قول صفحات گذشته از کینز به آن اشاره شد. شاید این راه حل امروز قابل اجرا نباشد ولی به هر صورت و به هر قیمت که شده باید راه حل حذف بهره ابداع شده و به کار گرفته شود.

اگر نظام اقتصادی نئوکلاسیک در جامعه‌ای پذیرفته شود، اقتصاد سرمایه‌داری با همه ویژگی‌های آن متجلی می‌شود و صاحبان پول که قادرند سرمایه را در اختیار و کنترل خود درآورند بر مقدرات اقتصادی و سیاسی جامعه حاکم می‌شوند و نظام تولید و توزیع را در جهت منافع خود هدایت می‌کنند. در این شرایط عدالت اجتماعی در حاشیه قرار می‌گیرد و اکثر مردم جامعه ناچارند با قبول زندگی در حداقل سطح معیشت، برای افزایش ثروت تعداد معدودی ثروتمند به فعالیت تولیدی بپردازند، این نوع جامعه همیشه در معرض عصیان اکثریت قرار دارد. کمونیست‌ها از همین نقطه ضعف نظام سرمایه‌داری بهره‌برداری کردند و برای مدت ۷۰ سال، فجایع بسیار بزرگی با شعار عدالت و حمایت از طبقه کارگر ایجاد کردند و سپس فروپاشیدند.

نسخه شفاف‌بخش نظام اقتصادی سرمایه‌داری به تجویز کینز پیچیده شد و با تلقی او از ماهیت پول و بهره (مبنتی بر نظریه رجحان نقدینگی) و احتمال پایدار شدن تعادل زیر اشتغال کامل، نظرات نئوکلاسیکی دست شفاف‌بخش بازار مورد تردید قرار گرفت و ضرورت دخالت دولت برای هدایت سکان اقتصاد به سوی تعادل متناسب با اشتغال کامل توجیه شد و مورد عمل قرار گرفت. توصیه‌های کینز و نتایج مثبت حاصل از کاربرد این توصیه‌ها بعد از جنگ دوم جهانی باعث شد دیدگاه جدیدی در اقتصاد موسوم به اقتصاد اجتماعی مبتنی بر بازار<sup>۲</sup> شکل گیرد و تقویت شود. در این دیدگاه به دولت علاوه بر نقش سنتی آن در اقتصاد، این مأموریت محول شده است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های اقتصادی مردم جامعه دخالت کند و آنها را به سوی اهداف کلی اقتصادی جامعه هدایت کند و کنترل حجم پول و نرخ بهره (در چارچوب نظریه رجحان نقدینگی) از مهمترین ابزارهای دولت در این دیدگاه برای تأثیرگذاری غیرمستقیم بر رویدادهای اقتصادی است.

اما نظام اقتصاد اجتماعی مبتنی بر بازار نیز برای رسیدن به اهداف اقتصادی جوامع (تعادل توأم با اشتغال کامل) به مشکل تضاد بین دو هدف بیکاری و تورم برخورد کرده است و موجب شده که مجدداً "نظریه سرمایه‌داری نئوکلاسیک طرفدارانی جدی پیدا کند. در نظریه رجحان نقدینگی به تعبیر گزل این مشکل پیش‌بینی شده است و علت اصلی آن رواج پول متداول و بهره پایه‌ای تشخیص داده شده که به ماهیت پول رایج وابسته است. به عقیده گزل تا زمانی که موجبات تغییر ماهیت پول به گونه‌ای که بهره پایه و بهره بازار به تبع آن حذف شود، فراهم نگردد، نمی‌توان از بازار رقابت آزاد مبتنی بر عدالت اجتماعی سخن گفت.

1. Stamp money

2. Social Market Economics

در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی متناسب با آن، هدف حذف بهره از نظام بانکی کشور که به تشخیص اکثریت قریب به اتفاق مراجع مذهبی، نوع خاص ربا شناخته شده است، در دستور کار حکومت قرار گرفته و بدین منظور قانون خاصی نیز تدوین و پس از تصویب به اجرا در آمده است. اما در این قانون و زمینه‌های علمی مرتبط با آن به مسأله رجحان نقدینگی توجهی نشده است. پس از حدود بیست سال اجرای این قانون، با آن که حذف بهره در قانون قویاً مورد تأکید قرار گرفته و شرایط حقوقی آن فراهم شده است، اما در اجرا ماهیت بهره همچنان باقی مانده و فقط اسم آن به سود بانکی تغییر کرده است. علاوه بر آن شرایطی در نظام بانکی حاکم گردیده که این سود بانکی دارای ماهیت بهره به تدریج افزایش یافته و در نتیجه، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال در کشور ما شدیداً تحت فشار قرار گرفته است. مشکلات نظام بانکی بدون ربای فعلی ایران به گونه‌ای است که لزوم اصلاح قانون تقریباً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این صورت لازم است مجدداً با عجله اقدامی صورت نگیرد و ریشه اصلی وجود بهره با توجه به نظرات دانشمندانی مانند کینز و گزل به دقت بررسی شود تا بتوان راه حل منطقی و قابل اجرایی برای حذف بهره از نظام بانکی کشور ارائه نمود.

**فهرست منابع:**

- 1- Bawerk, Bohm, Geschichte und Kritik der kapitalzinstheorien, zweite Auf. 1900. P.17.
- 2- Gesell, Silvio, Die Natürliche Wirtschafts ordnung durch Freiland und Freigeld, Gauke verlag, Nachdruck 1998.
- 3- Keynes, John Maynard, The General Theory of Employment, Interest and Money.
- 4- The New Palgrave, A Dictionary of Economics Volume 2, Macmillan Press, Limited 1987.
- 5- Yergin, Daniel and Stanislaw, Joseph, pub. By Simon and schuster, New York, 2002.